

دکتر باقرپور کاشانی



روند تاریخی ماتریال یسم دیالکتیک

رودت تاریخی ماتریالیسم دیالکتیک

اما برویم سر ماتریالیسم دیالکتیک؛ دوستان توجه داشته باشند، بحث دیالکتیک، قبلاً به نحوی مطرح شده، اما به صورت جدی در فلسفه هگل مطرح شده؛ هگل یک فیلسوف الهی بود، اعتقاد به وجود خدا داشت.

ایشان قائل به یک مثلثیست برای تبیین پدیده‌ها، و فعل و انفعالات و کنش‌های عالم.

اسمش مثلث هگل، معروف است به مثلث هگل؛ روی سه اصل بحث می‌کند:

تز، آنتی‌تز، سنتز.

این را بیان می‌کند.

مارکس تحت تأثیر هگل بود، اما یک شخصیتی بود که خدا را قبول نداشت. این می‌آید تمام همت خودش را می‌گذارد روی فلسفه هگل، که فلسفه هگل فلسفه بسیار مشکلیست، خود هگل یک جمله‌ای ازش هست...!

کلاً متن‌های آلمانی کلاً این‌طوری هست! بخاطر این‌که زبان آلمانی یک زبان پر واژه‌ای هست و برای کوچک‌ترین حالت‌های روحی و درونی و فکری یک واژه جعل شده، انتخاب شده، اما خب حالا این را می‌خواهد ترجمه بشود به فارسی، فارسی آن قوت را ندارد، سه تا واژه آلمانی یک معنا بیشتر در فارسی ندارد، بعد نمی‌تواند آن ظرافت‌های فکری و فلسفی را درک بکند وقتی متن ترجمه می‌شود؛ این ماجرا در زبان عربی هم هست، در زبان فرانسه هم هست، وقتی بخواند منتقل بشود به زبان فارسی، چنین مشکلاتی را ما داریم. لذا ما می‌بینیم که مثلاً این ترجمه‌های کتاب‌های آلمانی در اوج صعوبت هست، فهم این‌ها. یکی از اساتید ما که خارج کشور هم ایشان خوانده بودند فلسفه غرب را، ایشان نقل می‌کرد که از درس هایدگر، درس هایدگر در یک سالن بزرگی انجام می‌گرفت و این‌گونه بود که دانشجویهای رشته دیگه هم می‌آمدند؛ هایدگر از فیلسوفانی بود که در زمان خودش هم به اوج بود، بعضی فیلسوفان صد سال بعد مطرح شدند. بعد می‌گفت مثلاً دانشجویان رشته فلسفه حالا می‌آمدند شرکت می‌کردند، دانشجویان رشته ریاضی می‌آمدند، فیزیک می‌آمدند، آن‌ها هم می‌آمدند شرکت می‌کردند؛ بعد می‌گفتند جالبه که حرف هایدگر را کاملاً متوجه می‌شدند، یعنی با این‌که روان صحبت می‌کرده.

حالا، همین درس‌های هایدگر، همین مطالب هایدگر وقتی ترجمه به فارسی شده جزو سنگین‌ترین متن‌هاست، با این‌که طرف مترجمش هم آلمانی بلد بوده؛ اما زبان فارسی آن قوت و قدرت را نداشته که پا به پای آلمانی اصطلاح نداشته، واژه نداشته که بتواند مطلب را درست منتقل بکند.

برای همین ما می‌بینیم که مثلاً مترجمینی که آثار هایدگر، یا مثلاً کانت را آمدند ترجمه کردند، آمدند اصطلاح فارسی جعل کردند، یک اصطلاحی برای خودشان قرار دادند، بعد مراد خودشان هم توضیح دادند در چند خط؛ آقا ما این اصطلاحی که قرار داریم، مراد ما چیست، که حالا طرف متوجه بشود تا حدودی.

حالا ببینید کتاب‌های هگل، آلمانی که بود، بعد آلمانی ادبی سنگین و مشکلی می‌نوشت؛ تا جایی که یک متنی را می‌آورد خود هگل، می‌گوید که: «آن وقتی که من این کتاب را می‌نوشتم، این متن را می‌نوشتم، من می‌دانستم چه می‌نویسم، خدا هم می‌دانست که من چه می‌نویسم؛ اما اکنون خدا می‌داند که من چه نوشتم، اما خودم نمی‌دانم که چه نوشتم!» حالا شما نگاه کنید مردم عادی را حساب بکنید چگونگی! معلوم است خب فلسفه هگل یک فلسفه مشکلی است.

مارکس تمام تلاشش را کرد، این فلسفه را آموخت، این فلسفه را ارائه داد منهای خدا؛

یعنی تمام زحمات هگل را آمد قبضه کرد، منهای خدا؛ آمد عالم ماده و پدیده‌ها را توجیه کرد.

آمد زحمت خودش را کشید و مارکس خیلی تأثیرگذار بود، تأثیرگذار بود عرض می‌کنم، ببینید تأثیر حتماً نباید مثبت باشد، تأثیر می‌تواند منفی باشد، مارکس در جریان کمونیستی چه در ارتباط با عقیدتی چه در ارتباط با مسائل اجتماعی و سیاسی بسیار تأثیرگذار بود، جریان کمونیستی، مسئله شوروی را شما نگاه بکنید، ما شوروی را داشتیم و چه مسائلی به وجود آمد، چه تأثیراتی قبل انقلاب و اوایل انقلاب، با این‌که جامعه ایران یک جامعه کاملاً بومی بوده، مثل اکنون در این سطح نبود، اما نگاه می‌کنیم که جریان مارکسیسم و انکار خدا در همان زمان‌ها پررنگ مطرح شد و جوان‌های بسیاری را تحت تأثیر خودش قرار داده؛ بسیار فیلسوف موثری بود، و خیلی فیلسوف با مطالعه‌ای بود.

یاد من هست یکی از اساتیدم نقل می‌کرد، می‌گفتند من زندگی مارکس که می‌خواندم، وقتی ماه عسل با خانمش رفته بود، سفری رفته بود، یک مدت کوتاهی می‌خواست مسافرت برپد، پنجاه تا کتاب فقط با خودش برده بود که در ماه عسل که حالا با خانمش هست، پنجاه تا کتابم کنار کاراش بخواند! خب این آدم زحمت کشی بود و بیان جذابی هم داشت و خب این‌گونه بود که حرف‌های هگل را گرفت، روش هم کار کرد، آمد بحث ماتریالیسم دیالکتیک را مطرح کرد و انقلابی به پا کرد؛ یعنی انقلابی به پا کرد در خود همان ماتریالیست‌ها انقلاب به پا کرد، دیگه کم‌به‌کم می‌دیدید همان ماتریالیست‌هایی که اوج تفکر خودشان را همین ماتریالیسم مکانیکی می‌دانستند، همان‌ها را آمد به تعبیری، به تعبیر خودشان منحرف کرد، این‌ها رو ارشادشان کرد، آمد یک ماتریالیسم مترقی به آن‌ها ارائه داد؛

و خب می‌بینیم در کنارش هم شخصیتی به نام اینگلس، این هم همین‌طور یک فیلسوف آلمانی بود، فردریچ انگلس، متوفی ۱۸۹۵ میلادی، کارل مارکس هم متوفی ۱۸۸۳ میلادی هست؛ خب این‌ها آمدند که تلاش خودشان را کردند و خب این ماتریالیسم دیالکتیک مطرح شد.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir